

موضوع: کتاب الشركة/ شرکت تعاونی /تطبیقات فقهی

۱۰- شرکت های تعاونی نیز همانند سایر شرکت های تجاری، به صورت اختیاری (با تصمیم مجمع عمومی فوق العاده) و در مواردی به صورت قهری (مانند انقضاء مدت فعالیت شرکت) یا قضائی (مانند ورشکستگی شرکت) [1]، منحل می گردد. یکی از موارد انحلال قهری شرکت های تعاونی، ورشکستگی آن است و از منظر قانون گذار برای هر شرکت تجاری سه نوع ورشکستگی وجود دارد:

- ورشکستگی عادی — [2]مربوط به مواردی است که دارایی شرکت وافی به پرداخت دیون آن نبوده و یا در عین وافی بودن، نقد شوندگی نداشته باشد.
- ورشکستگی به تقصیر — [3]مربوط به مواردی است که شرکت در انجام وظایف خود اهمال کرده یا امور خود را طبق اصول تجاری انجام نداده و یا این که بدون سوء نیت به ضرر طلبکاران اقدام نموده باشد.
- ورشکستگی به تقلب — [4]مربوط به مواردی است که شرکت با سوء نیت (مانند کلاهبرداری)، مرتکب تقلب و جعل شود و بدین وسیله اموال و دارایی خود را بیش از واقع جلوه دهد تا مجاز به فعالیت اقتصادی بیشتری باشد.

بر اساس قانون بخش تعاون، انحلال حقیقی شرکت تعاونی منوط به استرداد اموال دولتی و امتیازات دریافتی و عمل به تعهدات قانونی می باشد [5] و تصفیه ی شرکت منحل شده برعهده يك هیأت سه نفره که حداکثر ظرف مدت يك ماه باید معین شود [6]، خواهد بود، همچنان که قانون گذار در قبال استرداد اموال دولتی (که به جهت تقویت شرکت تعاونی در اختیار او قرار گرفته است) بعد از انحلال شرکت، تمامی اعضاء را متضامناً مسئول و ضامن دانسته است [7] اما این مسئولیت تضامنی متوجه وام های دولتی نخواهد بود. لازم به ذکر است که قانون نسبت به سرنوشت دارایی شرکت و برای تصفیه ی مالی آن مراتبی را تعیین نموده است [8] که بر اساس آن (در فرض باقی ماندن دارایی پس از پرداخت دیون و تعهدات مالی) ابتدا به میزان مبلغ اسمی هر سهم به اعضاء پرداخت می شود [9] و در صورت باقی ماندن مازاد به تناسب سهام، سود نیز بین آنان تقسیم می گردد (هرچند که با توجه به ارزش بازاری سهام، ممکن است به آن مازاد مبلغ اسمی، اطلاق سود صحیح نباشد) — بر اساس پذیرش شخصیت حقوقی در فقه و ملکیت طولی اعضاء، علی القاعده شخصیت حقوقی شرکت

مملوك اعضاء بوده و اموال شركت بعد از ممات او (انحلال) به مالكين شركت (به ارث) می رسد اما بنابر عدم قبول شخصیت حقوقی در فقه، آن اموال و دارایی از ابتدا ملك اعضاء خواهد بود كه بعد از انقضاء قرارداد فی ما بین، به آنان بر می گردد. بدیهی است كه سایر الزامات قانونی باید به صورت شرط ضمن عقد ملاحظه شود.

[1] ماده ۵۴ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران: شركت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی در موارد زیر منحل می‌شوند: ۱- تصمیم مجمع عمومی فوق العاده. ۲- کاهش تعداد اعضاء از حد نصاب مقرر در صورتیکه حداکثر ظرف مدت ۳ ماه تعداد اعضاء به نصاب مقرر نرسیده باشد. ۳- انقضای مدت تعیین شده در اساسنامه مربوط در صورتیکه در اساسنامه مدت تعیین شده باشد و مجمع عمومی مدت را تمدید نکرده باشد. ۴- توقف فعالیت بیش از یکسال بدون عذر موجه. ۵- عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط پس از ۳ بار اخطار کتبی در سال به وسیله وزارت تعاون بر طبق آئین نامه مربوط. ۶- ورشکستگی طبق قوانین مربوط. تبصره ۱- پس از اعلام انحلال و ثبت بلافاصله آن در اداره ثبت محل، تصفیه طبق قانون تجارت صورت می‌گیرد. تبصره ۲- در بندهای دوم و چهارم و پنجم وزارت تعاون بلافاصله طبق آیین نامه مربوط انحلال تعاونی را به اداره ثبت محل اعلام می‌نماید. تبصره ۳- اعلام نظر وزارت تعاون در مورد بندهای ۴ و ۵ در دادگاه صالح قابل شکایت و رسیدگی می‌باشد. تبصره ۴- کلیه اموالی كه از منابع عمومی دولتی در اختیار تعاونی قرار گرفته با انحلال آن باید مسترد شود.

[2] ماده ۴۱۲ قانون تجارت: ورشکستگی تاجر یا شركت تجاری در نتیجه‌ی توقف از تأدیه‌ی وجوهی كه بر عهده‌ی او است حاصل می‌شود. حكم ورشکستگی تاجری را كه حین الفوت در حال توقف بوده تا یک سال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر نمود.

[3] ماده ۵۴۱ قانون تجارت: تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می‌شود: ۱- در صورتی كه محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه‌ی مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی او فوق العاده بوده است. ۲- در صورتی كه محقق شود كه تاجر نسبت به سرمایه‌ی خود مبالغ عمده صرف معاملات کرده كه در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است. ۳- اگر به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازلتر از مظنه‌ی روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسایلی كه دور از صرفه است به كار برده تا تحصیل

وجهی نماید اعم از این که از راه استقراضی یا صدور برات یا به طریق دیگر باشد. ۴- اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد. ماده ۵۴۲ قانون تجارت: در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود: ۱- اگر به حساب دیگری و بدون آن که در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او در حین انجام آن‌ها آن تعهدات فوق‌العاده باشد. ۲- اگر عملیات تجارتي او متوقف شده و مطابق ماده ۴۱۳ این قانون رفتار نکرده باشد. ۳- اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی‌ترتیب بوده یا در صورت دارایی وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات به طور صحیح معین نکرده باشد (مشروط بر این که در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد).

[4] ماده ۵۴۹ قانون تجارت: هر تاجر ورشکسته که دفاتر خود را مفقود نموده یا قسمتی از دارایی خود را مخفی کرده و یا به طریق مواضعه و معاملات صوری از میان برده و همچنین هر تاجر ورشکسته که خود را به وسیله‌ی اسناد و یا به وسیله‌ی صورت دارایی و قروض به طور تقلب به میزانی که در حقیقت مدیون نمی‌باشد مدیون قلمداد نموده است ورشکسته به تقلب اعلام و مطابق قانون جزا مجازات می‌شود.

[5] ماده ۵۶ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران: در صورتیکه هر تعاونی منحل گردد، قبل از انحلال باید به تعهداتی که در برابر اخذ سرمایه و اموال و امتیازات از منابع عمومی و دولتی و بانکها و شهرداری سپرده است عمل نماید.

[6] ماده ۵۵ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران: در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده یا وزارت تعاون رأی به انحلال تعاونی بدهد، ظرف یکماه سه نفر جهت تصفیه امور تعاون انتخاب و به اداره ثبت محل معرفی خواهند شد تا بر طبق قانون و آیین نامه مربوط نسبت به تصفیه امور تعاونی اقدام نمایند.

[7] ماده ۱۹ آیین نامه اجرایی قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴/۵/۱۳۷۱: خروج عضو تعاونی از تاریخ تصویب انحلال توسط مجمع عمومی فوق‌العاده یا تصمیم وزارت به انحلال - در صورتی که انحلال تعاونی رأساً توسط آن وزارت انجام شود - تا خاتمه امر تصفیه، رافع مسئولیت تضامنی مقرر در تبصره ۴ ماده ۵۴ قانون، از عضو خارج شده نمی‌باشد. تبصره ۴ ماده ۵۴ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران: کلیه اموالی که از منابع عمومی دولتی در اختیار تعاونی قرار گرفته با انحلال آن باید مسترد شود.

[8] ماده ۱۲۵ قانون شرکت های تعاونی: در تصفیه شرکت یا اتحادیه پرداخت تعهدات از محل دارایی آنها با رعایت تقدم به شرح زیر است: ۱- پرداخت بدهی های شرکت یا اتحادیه. ۲- پرداخت سهام اعضاء حداکثر به میزان مبلغ اسمی هر سهم و سود سهام در صورتی که مانده تصفیه از حساب ذخیره غیر قابل تقسیم شرکت بیشتر باشد. ۳- انتقال مانده تصفیه به حساب ذخیره قانونی غیر قابل تقسیم برای اقدامات مقرر طبق این قانون. تبصره - تصفیه امور شرکت یا اتحادیه تعاونی در مواردی که در این قانون پیش بینی نشده است بر اساس مقررات قانون شرکت های سهامی انجام خواهد گرفت.

[9] برخی از حقوق دانان از اینکه قانون گذار در وهله ی اول حکم به بازپرداخت مبلغ اسمی سهام نموده است، این چنین استنباط کرده اند که حقیقت خرید سهم، قرض است و در مقابل عده ای دیگر از این حکم قانونی، این چنین برداشت نموده اند که سهامداران در حقیقت مالک اعیان و اموال خارجی شرکت می باشند؛ در حالی که بنابر نظر صحیح و ملکیت طولی، اموال شخصیت حقوقی شرکت (مملوک) بعد از حیات او به مالک خویش خواهد رسید.